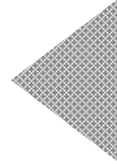


توسعه سیاسی و تاثیر آن بر محیط کسب و کار



سعید امیدیان پور^۱

یگانه اختری^۲

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۶/۷ - تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۳/۲۲)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

توسعه سیاسی به عنوان یکی از عوامل مهم در تحولات اقتصادی و اجتماعی، تاثیر بسزایی بر محیط کسب و کار دارد. تغییرات سیاسی و قوانین حاکمیت، مستقیم و غیرمستقیم بر شرکت‌ها و بازارها تأثیر می‌گذارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی توسعه سیاسی و تاثیر آن بر محیط کسب و کار می‌باشد، که روش پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد. آنچه که از نتایج این پژوهش برآمده است این است که تغییرات در سیاست‌های مالی، تجاری و مقررات دولت، می‌توانند به تغییراتی در نرخ بهره، نرخ تورم، نوسانات بازار سهام و حجم کسب و کار منجر شوند. همچنین، توسعه سیاسی می‌تواند تأثیر مستقیم بر شرایط کاری و استخدام در شرکت‌ها داشته باشد. بنابراین، شرکت‌ها باید برای پیش‌بینی تغییرات سیاسی و تاثیر آن بر کسب و کار

۱- کارشناسی ارشد کارآفرینی دانشگاه تهران. Saeedomidianpour6@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد کارآفرینی دانشگاه تهران. Yeganeh.hygiene@yahoo.com

خود آماده باشند و سیاست‌های خود را با توجه به این تغییرات بروز رسانی کنند. همکاری نزدیک و صحیح بین دولت و بخش خصوصی، می‌تواند به توسعه پایدار و رشد اقتصادی منجر شود.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، محیط کسب و کار، کارآفرینی

۱. مقدمه

یکی از عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی هزینه انجام این فعالیت‌ها یا کسب و کارها است. هزینه‌های بالای کسب و کار موجب بالا رفتن بهای تمام شده محصولات و در نتیجه کاهش رقابت پذیری آن‌ها به ویژه در مقایسه با کالاهای مشابه خارجی می‌گردد. در بعد بین المللی، کالاهای صادراتی تنها در صورت پایین بودن هزینه‌های تولید می‌توانند با جایگزین‌های خارجی خود رقابت نمایند. بخشی از هزینه‌های کسب و کار مربوط به مراحل انجام خود کسب و کار یا عوامل خرد و بخشی دیگر مربوط به حوزه خارج از کنترل صاحبان کسب و کار یا عوامل کلان می‌باشد که به‌طور عمده تحت تأثیر فعالیت و دخالت دولت‌هاست. دولت از جهات، ابعاد و مسیرهای مختلف بر فعالیت‌های اقتصادی به ویژه فضای کسب و کار اثرگذار است. سرمایه‌گذاری دولتی شامل ایجاد و بهبود زیرساخت‌ها است که خود این کار موجب تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌گردد. زیرساخت‌ها عناصر اساسی و حیاتی فضای سرمایه‌گذاری محسوب می‌گردند و به دو گروه زیرساخت‌های سخت مانند کیفیت جاده‌ها، آبرسانی، بنادر و فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های نرم مانند کیفیت تامین آب، برق و تلفن تقسیم بندی می‌شوند. هر دوی این گروه‌ها برای تولید و تجارت چه در داخل و چه در خارج از مرزها مهم و حیاتی به شمار می‌آیند. زیرساخت‌ها اغلب به عنوان یک مانع برای سرمایه‌گذاری به شمار می‌روند.

در تحقیق صورت گرفته توسط لاروسی (۲۰۰۹) که به بررسی فضای سرمایه‌گذاری در ۱۶ ایالت از کشور هندوستان پرداخته، اشاره شده با توجه به گزارش کمیته مالی که توسط دولت هندوستان در سال ۲۰۰۰ تنظیم شده است، مشخص گردیده ایالت‌هایی که از زیرساخت‌های با کیفیت‌های بالا در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی برخوردارند نسبت به سایر ایالت‌ها فضای

مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری به شمار می‌آیند. می‌توان چنین برداشت نمود که دولت می‌تواند نقشی بسیار مهم در اصلاح و بهبود کیفیت زیرساخت‌ها ایفا نماید به نحوی که سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاسی دولت به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی سالم، شکوفا، شفاف و توانمند منجر شود و یا به گسترش اقتصاد زیرزمینی و فساد و در نتیجه یک اقتصاد ضعیف و ناکارآمد بینجامد (هالاینر، ۱۹۸۵).

بنابراین می‌توان پرسید که ثبات سیاسی در بهبود فضای کسب و کار چه تاثیری دارد؟ علاوه بر این عوامل متعددی بر فضای کسب و کار تاثیر گذارند که از میان آن‌ها می‌توان بر تورم، بازبودن اقتصاد، نرخ ارز رسمی و سهم درآمدهای مالیاتی از محل تولید ناخالص داخلی اشاره نمود؛ در این مقاله به بررسی تأثیر هر یک از این عوامل بر فضای کسب و کار پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱ مبانی نظری

آثار و پیامدهای فعالیت دولت در سطوح خرد و کلان، از مهم‌ترین مباحثی می‌باشد که در علم اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است. این توجه هر دو حوزه علم اقتصاد اثباتی و دستوری را شامل می‌شود.

گروهی از اقتصاددانان معتقد به حداقل دخالت دولت در اقتصاد بوده و گروهی دیگر دخالت‌های حداکثر دولت را در اقتصاد ضروری می‌دانند. در هر دو نگرش سهم و نحوه حضور و دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی نقش اجتناب‌ناپذیری خواهد داشت. از سوی دیگر در حوزه اثباتی نیز مطالعات فراوانی در مورد تجزیه و تحلیل آثار و پیامدهای دخالت دولت در اقتصاد به دلیل مؤثر بودن جایگاه و سهم دولت در فعالیت‌های اقتصادی جامعه، صورت گرفته است. از (۱۹۳۰-۱۹۸۰) دولت عامل توسعه و فراهم‌کننده زمینه‌های لازم برای فعالیت‌های بهینه اقتصادی به شمار می‌رفت.

مکتب سنتی آلمان-اتریش (۱۹۵۵-۱۹۳۳) با تلاش‌های دو اقتصاد دان بنام تانن و شومپتر برجسته شد و شکل گرفت. شومپتر در خصوص وجود بازارهای کامل با نئوکلاسیک‌ها اختلاف نظر داشت و با تأکید بر عدم وجود چنین بازارهایی تلویحاً وارد موانع محیطی بنگاه‌ها شد. وی نقش کارآفرینان را در شکستن وضعیت‌های انحصاری برجسته و بر اهمیت نوآوری‌ها در توسعه

اقتصادی تأکید نمود. شومپتر نقش اساسی پول در موقعیت‌های تعادل عمومی یا رشد متوازن را رد کرد و نگرش او به پول فقط به منزله واسطه مبادله‌ای بود. در چنین شرایطی کارآفرینان به دلیل نیازشان به اعتبار برای تأمین بودجه فعالیت‌ها و توسعه اقدامات تجاریشان به سیستم بانکی نیاز دارند. وی با کاهش توجه به پس اندازها و توجه به اعتبارات و تأمین مالی نمودهای حساس فرایند توسعه در توضیح سود، پول، اعتبار و نرخ بهره و چرخه بازرگانی را مدنظر قرار داد. تأملی در آرا و اندیشه‌های صاحب‌نظران اقتصادی به ویژه نظرات مطرح شده در دهه‌های میانی قرن بیستم بیانگر آن است که مفاهیم و تأملات مربوط به فضای کسب و کار در هر دو نگرش مشهود می‌باشد (اتاق تعاون و بازرگانی، ۱۳۸۹). نکته بسیار مهم آن است که شاید بتوان گفت نهادیون از (۱۹۷۵-۱۹۳۷) نخستین مکتبی هستند که به مسائل یک بنگاه در کسب و کار خود توجه نمودند و از دیدگاه سازمانی و نهادی به بررسی محیط‌های فعالیت اقتصادی پرداختند.

عوامل بسیاری در تحولاتی که در دهه ۱۹۷۰ در اقتصاد بین‌الملل صورت گرفته است، دخیل بوده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها تحول عمیق در دیدگاه مربوط به نقش نسبی دولت و قوای بازار در فرایند اقتصادی می‌باشد. به طور کلی، در زمان برگزاری کنفرانس برتنوودز و ربع قرن پس از آن این نظریه پذیرفته شده بود که دولت‌ها و سیاست‌هایی که اتخاذ می‌گردد قوای محرکه اقتصاد هستند. بنابراین، از دولت‌ها انتظار می‌رفت که در جهت اهداف اساسی و عملکرد قوی و سالم اقتصاد قبول مسئولیت کنند. امروزه دیدگاه صاحب‌نظران پیرامون نقش اقتصادی دولت، آنچه در بالا توصیف شد، به شدت در تعارض است؛ زیرا نخست، همه متفق‌القول هستند که نقش دولت حمایت کردن است و نه محدود ساختن ابتکار توسط بخش خصوصی یا رقابت با آن. مسئولیت دولت در عملکرد اقتصاد و کمک به آن شامل اداره مستقیم اقتصاد نیست بلکه، به جای آن، متضمن حفظ ثبات در چارچوب‌های قانونی، انتظامی و اجتماعی، انگیزه‌های اقتصادی و اقتصاد آزاد و عاری از محدودیت و مقرون به رقابت می‌باشد؛ دوم، اتفاق نظری در مورد حدود سیاست کلان اقتصاد پدیدار شده است که مبتنی بر تحلیل منطقی و شواهد تجربی عملکرد هر دولت می‌باشد؛ مبنای منطقی این اتفاق نظر عبارتند از:

۱. نظریه انتخاب عمومی بر پایه ابزارهای تحلیل اقتصادی بازار، مبین آن است که مأموران دولت به جای حداکثر ساختن مطلوبیت مردم به حداکثرسازی مطلوبیت خود گرایش دارند.
۲. فرضیه انتظارات عقلایی که ضرورت ثبات در سیاست دولت را مسلم ساخت.

۳. موضوع اعتماد مردم به دولت که اهمیت قابل پیش‌بینی بودن مسیر سیاست‌های دولت و تداوم آن‌ها را به دلیل جلوگیری از اختلال در اقتصاد کشور، مورد تأکید قرار می‌دهد (ارشدی، ۱۳۸۵).

از (۱۹۹۰-۱۹۸۰) تأکید بر خصوصی سازی و ترویج سرمایه‌گذاری خارجی وجود داشت. از اواخر دهه ۱۹۹۰ بهبود محیط کسب و کار موضوع کانونی محافل نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری اقتصاد بوده است. این تغییر در پارادایم سیاست‌گذاری، محصول تحولات اقتصادی از یکسو و طرح نظریات جدید اقتصادی از سوی دیگر است (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷).

دستو (۲۰۰۵) در تلاش برای یافتن راهکار توسعه اقتصادی و مبارزه با فقر بر دلایل ناتوانی کشورهای فقیر در کسب و تولید سرمایه تمرکز می‌کند و در این کنکاش تحقیقات فراوانی را در انواع کشورها انجام می‌دهد و در نهایت موضوع مالکیت و قوانین محیطی را مانعی اصلی و مهم در تولید و انباشت سرمایه تشخیص می‌دهد. پس به نظر می‌رسد که در یافتن تاریخچه و ریشه شکل‌گیری مفهوم محیط کسب و کار و طرح راهکار بهبود کسب و کار دو روند می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد:

۱. نظریات و مکاتبی که نحوه رشد تولید و افزایش سرمایه را بررسی کردند و به عوامل محیطی بنگاه‌ها نزدیک گردیدند.

۲. نظریات و مکاتبی که به ساماندهی موانع محیطی رونق فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها پرداختند و راهکار بهبود محیط کسب و کار را سامان دادند.

علاوه بر این، از نظر تاریخی دهه نخست قرن ۲۱ مطابق است با بهبود فضای کسب و کار که فراهم‌کننده زمینه‌های لازم برای فعالیت بهینه اقتصادی با بهره‌گیری از تجربیات قبلی انجام گرفته است. دیدگاه‌های فوق تا حدودی بیان می‌دارد که مباحث و شاخص‌هایی که امروزه برای بخش فضای کسب و کار در ادبیات اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است در گذشته نیز تحت عناوین دیگری مورد توجه و تجزیه و تحلیل بوده‌اند. با بررسی تجارب کشورهای مختلف دنیا مشخص می‌گردد برخی کشورها با بهره‌گیری از رویکرد خصوصی سازی و البته با فراهم آوردن سازوکارهای مورد نیاز برای ایجاد و گسترش آن توانسته‌اند زمینه‌ساز اتفاقات مثبت در اقتصاد کشورهای خود شوند. از سوی دیگر کشورهایی مانند چین، ویتنام، مجارستان

و لهستان کوشیدند با رفع موانع توسعه بخش خصوصی (بهبود محیط کسب و کار) و نه خصوصی سازی، سهم بخش خصوصی را به طور قابل توجه در کلان اقتصاد ارتقا داده و معجزه بزرگ اقتصادی را در دنیا رقم بزنند (اتاق تعاون و بازرگانی، ۱۳۸۹).

۲.۲. سوال های پژوهش

۱. چگونه توسعه سیاسی می تواند بر رشد و توسعه کسب و کار تأثیر بگذارد؟
۲. چه نوع قوانین و مقررات حاکمیتی می تواند برای بهبود محیط کسب و کار ارائه شود؟
۳. چگونه دولت می تواند با فراهم کردن زیرساخت ها، به رشد و توسعه کسب و کارهای جدید کمک کند؟
۴. چگونه توسعه سیاسی در جهت صادرات و بازاریابی محصولات و خدمات، به توسعه کسب و کارها کمک کند؟

۳.۲. فرضیه های پژوهش

۱. توسعه سیاسی با تأثیر رویکرد دولت و سیاست های حکومتی در جهت پشتیبانی از کسب و کارها، بهبود زیرساخت ها، تسهیلات مالی، توسعه فناوری و نوآوری، قوانین مناسب و همکاری بین دولت و بخش خصوصی، می تواند به رشد و توسعه زیرساخت های محیط کسب و کار کمک کند.
 ۲. توسعه سیاسی، با تأثیر مثبت بر روی پرورش کارآفرینی و رشد کسب و کارهای نوپا، بهبود شرایط محیط کسب و کار و ارائه خدمات جدید، می تواند موجب توسعه و پیشرفت در این زمینه شود.
 ۳. ارائه زیرساخت های مناسب سیاسی، به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ارتقای محیط کسب و کار، می تواند به دسترسی به بازار، افزایش کیفیت و بهبود شرایط محیطی که در آن کسب و کارها فعالیت می کنند، کمک کند.
- به طور کلی، فرضیات بالا این ادعا را مطرح می کنند که توسعه سیاسی و تأثیر آن بر محیط کسب و کار، می تواند با ارائه تسهیلات مالی، پشتیبانی فنی و مشاوره، توسعه زیرساخت ها، توسعه فناوری و نوآوری، همکاری نزدیک بین دولت و بخش خصوصی، توسعه صادرات و بازاریابی

می تواند بر توسعه کسب و کارها کمک کند.

۴.۲. تعریف کسب و کار

- در واژه نامه‌ی «آکسفورد» کسب و کار به معنی خرید و فروش و تجارت آمده است.
- در واژه نامه‌ی «لانگ من» کسب و کار به فعالیت پول در آوردن و تجارتي که از آن پول حاصل شود، گفته می‌شود.
- هر نوع کاری که در آن خدمات و یا کالاهائی که دیگر افراد جامعه به آن نیاز دارند و یا مایل به خرید آن هستند و توان پرداخت بهای آن را دارند تولید، توزیع و عرضه می‌شود را کسب و کار می‌نامند.
- هر تبدالی که در آن خرید و فروش صورت گیرد، کسب و کار نیست، بلکه کسب و کار، هر نوع تبادل تکراری و تجدید شونده‌ی خرید و فروش است (پترسون و پلومن^۱، ۲۰۱۰).
- به کسب و کار در زبان انگلیسی business گفته می‌شود و تعریف زیر برای آن آورده شده است (میدری، ۱۳۸۷).

۵.۲. تعریف محیط کسب و کار

- منظور از محیط کسب و کار مجموعه عواملی است که بر اداره و عملکرد بنگاه‌ها موثرند اما تقریباً خارج از کنترل مدیران بنگاه‌ها می‌باشند.
- هر آنچه را که بر روی فعالیت‌های واحد صنعتی تاثیر گذار است اما جزئی از آن واحد نباشد را فضای کسب و کار می‌گویند (آندره کلارک).
- منظور از فضای کسب و کار در ادبیات اقتصادی، عوامل موثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که مدیران یا مالکان بنگاه‌ها نمی‌توانند آن‌ها را تغییر داده یا بهبود بخشند (میدری و همکاران، ۱۳۸۷).
- محیط کسب و کار به مفهوم مجموعه قوانینی است که بر هزینه شرکت‌ها تأثیر دارد مانند هزینه‌ها، مجوزها، تشریفات اداری، مالیات، هزینه‌های نیروی کار و غیره.

- محیط کسب و کار مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و قانونی حاکم بر فعالیت‌های کسب و کار بیان شده است.
- در واقع محیط کسب و کار شامل زیر ساخت‌های اقتصادی، میزان سلامت سیستم اداری، امنیت اجتماعی، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، قوانین و مقررات، کیفیت نظام قضائی و غیره است که بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر مستقیم دارند، ولی تغییر دادن آن‌ها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران شرکت‌ها و کسب و کارها است (اتاق بازرگانی، ۱۳۸۸).

۶.۲. مولفه‌های کسب و کار

سه دسته از متغیرها در تحلیل محیط وجود دارند.

- ۱- دسته اول محیط کلان اقتصادی: شامل مولفه‌هایی از جمله محیط اقتصادی نرخ تورم نرخ بیکاری نرخ ارز نرخ بهره و محیط اجتماعی مشخصات جمعیت شناختی روندهای شیوه زندگی تاثیر طبقات اجتماعی تاثیر گروه‌های مرجع و محیط سیاسی شامل سیاست‌های دولت هیئت‌ها و فرآیندهای قانون‌گذاری در عرصه خارجی و بین‌المللی و محیط فناوری شامل بلوغ تکنولوژی توسعه تکنولوژی‌های رقیب بلوک و ظرفیت تولید و محیط قانونی محیط نهادی تنش‌های ملی و بین‌المللی می‌باشد (نصری و همکاران، ۱۳۹۸).
- ۲- دسته دوم محیط خرد کسب و کار: شامل مولفه‌های: (ساختار و اندازه بنگاه، ساختار بازار، نهادهای مالی و...) می‌باشد.
- ۳- دسته سوم مربوط به محیط داخلی یک کسب و کار: شامل مولفه‌های تولید و عملیات (فرایند، ظرفیت، موجودی کالا، نیروی کار) تحقیق و توسعه، مدیریت (ایجاد انگیزه و برنامه‌ریزی) می‌باشد (میدری و همکاران، ۱۳۸۷).

۷.۲. عوامل سیاسی موثر بر کسب و کار

امروزه نقش اساسی بنگاه‌های کوچک و متوسط در تعیین رشد اقتصادی کشورها برای همه دولت‌ها آشکار است. عوامل خارجی بسیاری وجود دارد که در کنترل صاحبین کسب و کارها نیست و دولت نقش جدی در کنترل آن‌ها بازی می‌کند، به گونه‌ای که هم می‌تواند تسهیل‌کننده باشد و هم به‌طور معناداری بر بقا یا حذف آن‌ها اثر بگذارد.

به‌طور کلی هدف مدیران اتخاذ تصمیمات بهتر برای پایدار نگه داشتن وضعیت شرکت و پیشرفت آن است اما در تمام موقعیت‌ها این امکان پذیر نیست. در شرایط اضطراری حفظ وضعیت موجود و کم کردن فشارها از سایر اهداف مهم‌تر می‌شود. چندین جنبه از سیاست‌های دولت می‌تواند برای کسب و کارها اهمیت زیادی داشته باشد. از آنجا که شرکت‌ها ملزم به رعایت قوانین هستند، مدیران باید تاثیر قوانین و واکنش‌ها و نافرمانی‌های مدنی را بر فعالیت خود و کارکنان ارزیابی کنند (نصری و همکاران، ۱۳۹۸).

به عنوان مثال یک عنصر سیاسی مهم که در فعالیت اقتصادی اثر می‌گذارد کاهش یا افزایش مالیات است. همین‌طور برخی تصمیمات سیاسی بر فضای فرهنگی، اجتماعی کشور تاثیر بالایی در اقتصاد ایجاد می‌کند. اما مهم‌تر از این موارد ظهور فناوری‌های جدید و بسترهای ارتباطی است که با پذیرش این فناوری‌ها، شرکت‌ها زیرساخت خود را تغییر می‌دهند و هزینه‌های هنگفتی بابت این تغییر، آموزش پرسنل و تولید و عرضه محصولات و خدمات خود در همین بستر متحمل می‌شوند. از سویی این به روزرسانی باعث رشد و ورود به بازارهای جدید نیز می‌تواند باشد. در این شرایط اگر دولت تصمیم به محدود سازی زیرساخت‌ها بگیرد، کسب و کار با ریسک بسیار بالایی برای ادامه حیات خود مواجه خواهد شد (اویسو^۱، ۲۰۱۹). کسب و کارها فقط در محیط‌هایی می‌توانند رشد کنند که ثبات سیاسی و وضعیت صلح آمیز و پایدار حکومت وجود دارد. عدم وجود این شرایط معاملات روزمره تجاری را مختل و ضررهای سنگین مالی برای مشاغل ایجاد می‌کند. این ضررها برای شرکت‌ها و سازمان‌هایی که سابقه فعالیت بیشتری دارند تا حدودی قابل تحمل‌تر است که در دراز مدت منجر به از دست رفتن منابع شده و ممکن است تعدیل‌ها و تعطیلی‌هایی در پی داشته باشد. در کشور ایران موضوع کار و استخدام در دوره‌های مختلف مساله‌ی مهمی بوده است. در سال‌های اخیر مهاجرت متخصصین که سرمایه‌های بالای فنی و تخصصی به همراه دارند همواره از سوی مدیران منابع انسانی یا بنیان‌گذاران استارت آپ‌ها قابل مشاهده بوده اما اثر این موضوع به صورت دقیق قابل اندازه‌گیری نیست و تنها در یک شرایط استخدامی جدی با آن مواجه می‌شویم، بدیهی است که در عرصه کلان سیاسی ممکن افراد تصمیم‌گیرنده به‌طور مستقیم با آن مواجه نشوند و این تصور ایجاد

شود که در بیان این مشکل غلو صورت می‌گیرد درحالی که این موضوعی بسیار مهم است. در شرایط ناپایدار اجتماعی و سیاسی که زیرساخت‌های فناوری را تحت تاثیر قرار می‌دهد، گروهی از افراد نیز مایل به کسب درآمد از بازارهایی می‌شوند که تاثیری بر پیشرفت و توسعه کشور نخواهد داشت و صرفاً دغدغه رفع نیازهای مالی را کمتر می‌کند. تلاش و انگیزه بخشی و امید، مفاهیمی هستند که بخش خصوصی همواره از آن‌ها بهره می‌گیرد، اما نیاز به بستری سیاسی مناسب با مشکلات کمتر، تسهیل فضای کسب و کار و اتخاذ تصمیمات آینده نگرانه از سوی دولت، در این زمینه غیرقابل انکار است (مهرآرا و همکاران، ۱۳۹۴).

۸.۲. پیشنهاد پژوهش

۸.۲.۱. مطالعات خارجی

وستمن الف و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی مشارکت سیاسی کسب و کارها: چارچوبی برای درک نقش SME ها در سیاست‌های پایداری شهری پرداختند. بازیگران بخش خصوصی هم سیاست‌های پایداری محور را در مقیاس‌های مختلف فعال و هم مهار می‌کنند. با این حال، تحقیقات در زمینه پایداری کسب و کار عمدتاً بر شرکت‌های بزرگ تاکید دارد، درحالی که نقش شرکت‌های کوچک و متوسط (SME ها) کم‌رنگ شده‌است. در نتیجه، کمبود ابزارهای مفهومی برای توضیح چگونگی ساخت و پیشبرد اهداف پایداری جمعی SME ها وجود دارد. هدف این مقاله شناسایی چگونگی مشارکت SME ها در سیاست‌های پایداری شهری است. برای انجام این کار، ما داده‌های تجربی جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه با ۷۶ کسب و کار فعال در تورنتو، ونکوور و لندن را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. نتایج ما نشان می‌دهد که SME ها پویایی پایداری را با مشارکت در فرآیندهای سیاسی رسمی و جنبش‌های اجتماعی و با ساخت و رقابت گفتمان‌ها شکل می‌دهند. برخلاف تحقیقات گذشته، مطالعه ما، توانایی این شرکت‌ها برای هدایت فرایندهای تصمیم‌گیری شهری و هم سو سازی عملیات کسب‌وکار با باورها و هویت‌های سیاسی را برجسته می‌کند. با توجه به این یافته‌ها، ما به نیاز به شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط به عنوان بازیگرانی با آژانس سیاسی اشاره می‌کنیم.

وان تاتنهوو(۲۰۰۳) به بحث در مورد رابطه بین محیط و مشارکت در زمینه مراحل مختلف مدرن‌سازی سیاسی پرداخت. این مقاله بر پویایی سیاست‌های زیست‌محیطی و به ویژه بر رابطه بین سبک غالب حکومت و سیاست‌گذاری از یک سو و سازماندهی مشارکت سیاسی از سوی دیگر تمرکز کرده‌است. نتایج نشان داد محیط و مشارکت که ارتباط نزدیکی با هم دارند، رابطه آن‌ها اساساً در مراحل مختلف نهادینه‌سازی سیاست‌های زیست‌محیطی متفاوت است. در سال‌های شکل‌گیری سیاست‌های زیست‌محیطی، شیوه‌های مشارکت به وضوح منعکس‌کننده نوسازی اولیه بودند: سیاست‌های زیست‌محیطی، البته تا حد محدودی، هدف روش‌های قانونی و کلاسیک بودند که شهروندان می‌توانستند نظرات خود را در مورد برنامه‌های کاربردی برای مجوزها و سایر مسائل خاص بیان کنند. از آنجا که ثابت شد این روش‌ها تاثیر کافی ندارند، جنبش نوظهور زیست‌محیطی به شدت آن‌ها را به عنوان بخشی از اعتراض ضد مدرنیستی خود مورد انتقاد قرار داد. این امر منجر به تکمیل این امکانات قانونی با یک سری اقدامات برای افزایش آزادی سیاسی شد.

آیودگی آلوکو (۲۰۱۲) به بررسی تاثیر پولشویی بر ثبات اقتصادی و مالی و توسعه سیاسی کشورهای در حال توسعه پرداخت. پولشویی در واقع یک پدیده جهانی است که ثبات اقتصادی و سیاسی کشورها را تضعیف می‌کند. تاثیر مخرب و تاثیر این پدیده نگرانی‌های ملی و بین‌المللی را افزایش داده‌است. در پاسخ به این نگرانی‌ها، همراه با تهدیدهای درک شده برای اقتصاد ملی و بین‌المللی و فرآیند سیاسی، ابتکارات و اقدامات مختلف بین‌المللی و ملی برای مبارزه با تهدید این پدیده وجود داشته‌است. به همان اندازه که پول شویی یک پدیده جهانی است، در طول دهه گذشته، مشخص شده‌است که کشورهای در حال توسعه بیشتر در معرض اکسپلویت‌های خود قرار گرفته و آسیب‌پذیر شده‌اند. در این رابطه، با شواهد استدلال می‌شود که پولشویی، همراه با دیگر مجرمان اقتصادی و مالی، بیشتر کشورهای در حال توسعه را به دلیل مقررات سهل‌گیرانه و مکانیزم‌های اجرایی، به عنوان پناه‌گاه فعالیت‌های مجرمانه خود یافته‌اند. به این ترتیب با نفوذ فزاینده پول‌شویی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه، این کار تلاش خواهد کرد تا تاثیر دقیق پول‌شویی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه را بررسی کند. همچنین باید اقدامات قانونی که در مبارزه با تهدید پولشویی و اثربخشی این اقدامات در حال انجام است را مورد بررسی قرار دهد.

۲.۸.۲. مطالعات داخلی

شریف آزاده و حسین زاده (۱۳۸۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی» به بررسی رابطه سرمایه‌گذاری خصوصی با متغیرهای نهادی و ریسک سیاسی طی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۷۹ پرداخته‌اند. متغیر وابسته نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به تولید ناخالص داخلی و متغیر مستقل مدل، نرخ ارز بازار آزاد، لگاریتم سرمایه‌گذاری دولتی، سرمایه‌گذاری هستند که ICRG مستقیم خارجی، نرخ تورم و ۱۰ عامل از عوامل تشکیل‌دهنده شاخص ریسک سیاسی این عوامل ابتدا به صورت جداگانه و حاصل جمع آن‌ها به عنوان متغیر امنیت اقتصادی وارد مدل شده‌اند. نتیجه حاکی از تأثیر مثبت و معنادار شاخص ترکیبی می‌باشد و ۵ عامل دیگر ارتباط معناداری با نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی نشان نمی‌دهند.

رهبر و دیگران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران» با وارد نمودن متغیر امنیت سرمایه‌گذاری، نیروی کار و موجودی سرمایه در مدل رشد برای سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۴ به روش OLS تأثیر مثبت شاخصی از امنیت سرمایه‌گذاری را بر رشد اقتصادی ایران نشان داده‌اند. بدین منظور ۱۰ عامل از مجموعه ۱۲ عامل تشکیل‌دهنده شاخص ریسک سیاسی ICRG با استفاده از نظرات نخبگان اقتصادی و صاحبان صنایع ایران وزندهی و تجمیع شده؛ به نظر می‌رسد وزن‌دهی عوامل با استفاده از نظرات کارشناسان داخلی تلاشی در جهت تطبیق شاخص مورد استفاده در مطالعه با شرایط خاص کشور بوده است. ضریب همبستگی شاخص امنیت سرمایه‌گذاری در این مطالعه ۹۸.۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد وزن‌دهی براساس نظرات کارشناسان داخلی تفاوت چشم‌گیری در روند تغییرات شاخص ایجاد نمی‌کند. کشش شاخص امنیت سرمایه‌گذاری (که در مقیاس صفر تا ۱۰ اندازه‌گیری شده) ۰.۱۴ برآورد شده است.

ابوذر سالاری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار» به معرفی و بررسی شاخص‌های کسب و کار، شاخص‌های رقابت‌پذیری اقتصاد و مقایسه ایران در این شاخص‌ها با کشورهای برتر جهان و کشورهای منطقه و به طور مشخص به بررسی شاخص‌های مربوط به مالیات و اثر آن بر فضای کسب و کار کشور پرداخته و آثار این شاخص بر عملکرد اقتصادی را بررسی نموده و ضمن ترسیم فضای روشن از وضعیت ارتباط

نظام مالیاتی کشور با فضای کسب و کار طی سال‌های (۲۰۱۱-۲۰۰۵) پیشنهاداتی جهت بهبود وضعیت نظام مالیاتی و بالطبع بهبود فضای کسب و کار ارائه نموده است.

جعفری صمیمی و همکاران به بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و کارآیی دولت با رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۶ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه بیان می‌دارد رابطه مثبت و معنی‌داری بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا وجود دارد. همچنین بین کارآیی دولت و رشد اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

نادری و شربت‌اوغلی به بررسی نظری و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب جهان طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۹ پرداخته و بیان می‌دارند کشورهایی که شرایط رقابت‌پذیری اقتصادی برای آن‌ها مناسب‌تر بوده است، به‌طور معناداری رشد اقتصادی بالاتری را تجربه کرده‌اند.

شهنازی (۱۳۸۴) به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر کیفیت نهادی سرانه و اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۰ در ۸۷ کشور با استفاده از ادبیات اقتصاد نئوکلاسیک پرداخته است. نتیجه بیانگر اثر مثبت آزادی اقتصادی بر سطح درآمد سرانه کل نمونه و به تفکیک کشورهای کم درآمد، درآمد متوسط و پردرآمد است.

جعفری صمیمی و آذرمنند به بررسی ارتباط نهادهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی تعیین‌کننده انگیزه‌ها و محدودیت‌های فعالیت‌های اقتصادی در ۸ کشور مختلف جهان طی دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۸۰ پرداخته و بر اساس نتایج بیان می‌دارند آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

میدری به بررسی تأثیر بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی بر رشد اقتصادی ۶۰ کشور طی دوره ۱۹۸۲-۱۹۴۸ پرداخته و براساس نتایج مطالعه بیان می‌دارد، بی‌ثباتی سیاسی-اجتماعی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارد.

۳. الگوی پژوهش

مطالعات تجربی در ارتباط با سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه با ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت با کشورهای توسعه یافته و وجود مشکلات ساختاری مانند بی‌ثباتی و نااطمینانی سیاسی و اقتصادی، نقش و دخالت زیاد دولت در اقتصاد، عدم وجود بازارهای مالی با کارکرد مناسب و سایر کاستی‌های بازار در بسیاری موارد بر مبنای نظریه شتاب انعطاف‌پذیر انجام می‌شود (عرب مازار و همکاران، ۱۳۸۹).

نقطه آغازین این پژوهش نیز با اتکا بر نظریه شتاب انعطاف‌پذیر است. در مدل (نظریه شتاب انعطاف‌پذیر) سطح مطلوب موجودی سرمایه واقعی K^* ، متناسب است با تولید ناخالص داخلی واقعی y GDP :

$$K^* = \alpha y$$

با دیفرانسیل‌گیری از طرفین نسبت به زمان و تقسیم هر دو طرف بر y ، رابطه (۱) را می‌توان بدین صورت تفسیر نمود: نسبت سرمایه‌گذاری مطلوب به تولید $(inv/y)^*$.

$$(Inv/y)^* = (INV/Y)^* = \alpha G$$

که در آن INV و Inv به ترتیب دلالت دارند بر سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی واقعی و اسمی، y دلالت دارد بر GDP اسمی و G عبارت است از میزان رشد واقعی GDP . این نظریه مبتنی بر مکانیزم تعدیل جزئی انباشت سرمایه است که وجود وقفه یا تاخیر در تعدیل موجودی سرمایه به سمت موجودی مطلوب را لحاظ می‌کند.

$$\Delta [INV/(Y)] t = \lambda [(INV/Y)^* - (INV/Y)t] \quad \text{یا} \quad [1 - \lambda] (INV/Y) t = \lambda [(INV/Y)^* - (INV/Y) t-1] + (INV/Y) t-1$$

که در آن λ عبارت است از ضریب تعدیل. مدل شتاب انعطاف‌پذیر این اجازه را به شرایط اقتصادی می‌دهد تا بر ضریب تعدیل اثرگذار باشد (فرای، ۱۹۹۸). به ویژه فرض می‌شود که:

$$\lambda = \beta_0 + (\beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + \beta_3 X_3 + \dots) / [INV/Y - (INV/Y) t-1]$$

و که در آن X_i ها متغیرهایی هستند که ضریب تعدیل (λ) را تحت تاثیر قرار می‌دهند و β_i ضرایب مربوطه می‌باشند. وقفه در تعدیل موجودی سرمایه می‌تواند بر مبنای دیدگاه اقتصاد

نهادگرای جدید ناشی از محیط نهادی فعالیت‌های اقتصادی کشور باشد که به صورت شاخص فضای کسب و کار در مدل ما لحاظ می‌شود (متوسلی، ۱۳۸۴). بدین ترتیب براساس مدل معرفی شده توسط فرای و همکارانش مدل این مطالعه بدین صورت معرفی می‌گردد:

$$IBEt = F (IGt, Pt, TRt, OPENt, ERft)$$

در این مطالعه از مدل زیر برای برآورد تابع فضای کسب و کار و عوامل موثر بر آن استفاده می‌شود، همچنین لازم به ذکر است که دوره زمانی این پژوهش (۱۳۵۰-۱۳۹۸) می‌باشد.

$$LIBE = \alpha_0 + \alpha_1LP + \alpha_2LTax + \alpha_3ERO + \alpha_4LIg + \alpha_5Openness$$

که در آن:

$LIBE$ = لگاریتم فضای کسب و کار.

LP = لگاریتم تورم تورم.

$LTax$ = لگاریتم سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی.

ERO = نرخ رسمی ارز.

LIg = لگاریتم سرمایه‌گذاری‌های دولتی.

$Openness$ = درجه باز بودن اقتصاد.

۴. یافته‌های پژوهش

از لحاظ تئوریک انتظار بر این است که سرمایه‌گذاری‌های دولتی و درجه باز بودن اقتصاد رابطه مثبت با فضای کسب و کار و تورم و نظام مالیاتی حاکم بر کشور و نوسانات نرخ ارز رابطه منفی با فضای کسب و کار داشته باشند. در این تحقیق نیز با توجه به مدل تخمین زده شده، رابطه فضای کسب و کار و سرمایه‌گذاری‌های دولتی و درجه باز بودن اقتصاد مثبت حاصل گردید. در حقیقت انتظار بر این است که وقتی سهم صادرات و واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی که معرف درجه باز بودن اقتصاد است؛ افزایش پیدا می‌کند تقاضا برای ایجاد کسب و کار نیز افزایش یابد. افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی نیز از عوامل مهم و تأثیرگذار بر فضای کسب و کار بوده و ضریب مثبت و معنادار این متغیر حاکی از آن است که این متغیر از جمله متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار بوده زیرا با افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و بهبود کیفیت زیرساخت‌ها، کیفیت فضای سرمایه‌گذاری برای کسب و کار نیز افزایش خواهد یافت.

نوسانات نرخ ارز عواقب خاص خود را بر اقتصاد خواهد داشت. در حقیقت، بی ثباتی در نرخ ارز موجب بی ثباتی در تولید و تجارت خواهد شد. اگر نرخ ارز نوسانات شدیدی داشته باشد، با توجه به اینکه صادرکنندگان و واردکنندگان به هنگام عقد قرارداد چشم انداز مشخصی از درآمدها و هزینه های خود به پول ملی ندارند علیرغم مشخص بودن ارزش ارزی کالاهای مزبور در زمان انعقاد قرارداد به دلیل وجود فاصله زمانی تا هنگام دریافت درآمد صادراتی و یا فروش کالاهای صادراتی این نوسانات می تواند ارزش کالاها مزبور را (به پول ملی) به شدت متأثر کرده؛ موجب ضرر و یا سودهای کلان شود (هلاینر، ۱۹۸۵).

دیگر عامل مؤثر بر فضای کسبوکار نظام مالیاتی حاکم بر کشور است. از یک سو درآمدزایی دولت از محل اخذ مالیات بیشتر منجر به توسعه همه جانبه اقتصادی همچون رشد فضای کسب و کار، افزایش سطح تولید کیفی و اشتغال می گردد، اما از سوی دیگر نباید از نظر دور داشت که نرخ های مالیاتی بالا سبب انتقال بنگاه ها به اقتصاد غیررسمی می شود و در نتیجه پایه مالیاتی کوچکتر شده و درآمد کمتری نیز جمع آوری می شود.

علاوه بر این از لحاظ تئوریک انتظار بر این است که تورم تأثیر منفی بر فضای کسب و کار داشته باشد، اما طبق داده های استفاده شده در این تحقیق و همچنین نتایج به دست آمده رابطه تورم و فضای کسب و کار مثبت برآورد شده است. دلیل این عامل را می توان در تحولات عمیق اقتصادی-اجتماعی طی دوره (۱۳۹۸-۱۳۵۰) جستجو کرد.

طی سالهای (۱۳۵۶-۱۳۵۰) که لقب سالهای پس از شوک نفتی اول را به خود گرفته اند. فضای کسب و کار از شرایط مطلوبی برخوردار بوده، زیرا در این دوران با افزایش درآمدهای نفتی مخارج دولت و سرمایه گذاری های دولتی نسبت به مقیاس اقتصاد افزایش داشته است. در نتیجه تزریق بی رویه درآمدهای نفتی، تقاضای کل افزایش یافته و در نهایت منجر به افزایش تورم شده است. پس در این دوره علیرغم افزایش نرخ تورم، به دلیل بالا بودن درآمدهای نفتی فضای کسب و کار از شرایط مطلوبی برخوردار می باشد. طی سالهای پس از انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۷) فضای کسب و کار با نوسانات متعددی روبرو شده است. طی این دوران حجم دولت گسترش یافته و بحران نااطمینانی موجب کاهش فعالیت های اقتصادی شده است. به دلیل بسته بودن اقتصاد که ناشی از فضای جنگی حاکم بر ایران بوده سهم واردات واسطه ای و سرمایه ای و اعتبارات تولیدی کاهش یافته که همین امر

منجر به کاهش تولید شده است. نرخ تورم طی این سالها نسبتاً پایین می‌باشد، پس می‌توان چنین برداشت نمود که نوسانات فضای کسب و کار در این دوران بیشتر متأثر از شرایط جنگی حاکم بر کشور بوده است تا تأثیر تورم و به دلیل نسبتاً پایین بودن نرخ تورم، این عامل نمی‌توانسته تأثیر منفی بر فضای کسب و کار داشته باشد.

در سالهای متناظر با برنامه اول توسعه (۱۳۷۳_۱۳۶۸) که همزمان با انجام بازسازهای پس از اتمام جنگ و همچنین اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی می‌باشد، شرایط کسب و کار از بهبود نسبی برخوردار بوده است. در این دوره ما با سیاست کاهش اندازه و دخالت دولت در شاخص های مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، سرمایه گذاری دولتی به تولید ناخالص داخلی و شاخص های مالیاتی مواجه بودهایم. همچنین، طی این دوره سیاست آزادسازی تجاری و کاهش نرخ های تعرفه موجب افزایش واردات گردیده است. در آغاز این دوره نرخ تورم پایین و نرخ رشد تولید بالا بوده که خود این عامل تأثیر مثبتی بر بهبود فضای کسب و کار داشته است. در سالهای متناظر با برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸_۱۳۷۴) کشورمان شاهد شرایط نامطلوبی در حوزه کسبوکار بوده است. به دلیل اجرای سیاست های انبساطی شدید در دوره قبل، نرخ تورم و همچنین نوسانات نرخ ارز دچار افزایش قابل ملاحظه ای گردیده که نتیجه آن ایجاد فضای نااطمینانی در سطح اقتصاد کلان بوده است. طی سالهای متناظر با برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳_۱۳۷۹)

ما شاهد بهبود محیط کسب و کار نسبت به دوره پیش می باشیم. در این دوره بر مبنای سیاستهای تعدیل، که این بار با مطالعه بیشتر و تجربه سیاستهای تعدیل در گذشته صورت گرفته آزادسازی تدریجی تجارت خارجی در شاخص های تعرفه و درجه باز بودن قابل مشاهده است. در این دوره کشور علاوه بر افزایش واردات شاهد افزایش سهم درآمدهای نفتی نیز بوده است. همچنین، به دلیل اجرای سیاست تعدیل، نرخ تورم و نوسانات آن نیز در این دوره پایین بوده که خود این عامل منجر به بهبود در فضای کسب و کار شده است. در سالهای متناظر با برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۶_۱۳۸۴). درآمدهای ارزی نفت افزایش شدیدی را تجربه کرده اند. با این حال در این دوره روند فزاینده بهبود شرایط کسب و کار ادامه نیافته و به دلیل افزایش مالیات ها و نرخ تورم با کاهش روبرو بوده است. در نهایت می‌توان چنین جمع بندی نمود که بجز سال های متناظر با برنامه دوم و چهارم توسعه نرخ تورم نسبتاً پایین

بوده و همین روند توانسته تأثیر مثبتی بر فضای کسب و کار داشته باشد.

۵. پیشنهاد و نتیجه گیری

۱.۵. نتیجه گیری

توسعه سیاسی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی، تأثیر بسزایی بر محیط کسب و کار دارد. سیاست‌های حاکمیت و تغییرات قوانین و مقررات دولتی، به طور مستقیم بر عملکرد شرکت‌ها و بازارهای مختلف تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، تغییرات در سیاست‌های مالی، پولی و بودجه‌ای دولت، می‌تواند به تغییراتی در نرخ بهره، نرخ تورم و نوسانات بازار سهام منجر شود که مستقیماً بر شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. همچنین، تغییرات در سیاست‌های تجاری، گمرکی و توافقات بین‌المللی، می‌تواند تأثیر زیادی بر صادرات و واردات شرکت‌ها داشته باشد. توسعه سیاسی می‌تواند تأثیر مستقیم بر شرایط کاری و استخدام در شرکت‌ها داشته باشد. بنابراین، شرکت‌ها باید برای پیش‌بینی تغییرات سیاسی و تأثیر آن بر کسب و کار خود آماده باشند و سیاست‌های خود را با توجه به این تغییرات بروزرسانی کنند. به علاوه، همکاری نزدیک و صحیح بین دولت و بخش خصوصی، می‌تواند به توسعه پایدار و رشد اقتصادی منجر شود. در نهایت، برای رسیدن به هدف یک اقتصاد پایدار، لازم است که توسعه سیاسی و توسعه کسب و کار با یکدیگر هماهنگ و تعامل صحیح داشته باشند. علاوه بر این، توسعه سیاسی می‌تواند تأثیر مستقیم بر شرایط کاری و استخدام در شرکت‌ها داشته باشد. تغییرات در قوانین کاری، ایجاد تسهیلات جدید، تغییرات در سیاست‌های بیمه و سلامت کارگران، همگی می‌توانند به بهبود یا تضعیف شرایط کاری در شرکت‌ها منجر شوند. به طور کلی، توسعه سیاسی تأثیر بسزایی بر محیط کسب و کار دارد و شرکت‌ها باید برای پیش‌بینی تغییرات سیاسی و تأثیر آن‌ها بر کسب و کار خود آماده باشند و سیاست‌های خود را با توجه به این تغییرات بروزرسانی کنند.

۲.۵. پیشنهادها

به عنوان یک راهکار می‌توان به کوتاه تر شدن زمان اخذ مجوزهای لازم برای شروع یک کسب و کار و بسترسازی مناسب برای افزایش تعداد بنگاه‌های رسمی اقتصادی از طریق تسریع

ثبت، کنترل و بازیابی اطلاعات و روند اداری ثبت شرکت ها با استفاده از اطلاعات و ارتباطات، افزایش سرمایه گذاری‌های دولتی به ویژه در بهبود و اصلاح زیرساخت ها اشاره نمود. لازم به ذکر است که احداث شهرک های صنعتی و توجه به خوشه های صنعتی در این شهرک ها می تواند در کوتاه تر نمودن آغاز یک کسب و کار نقش بسزایی ایفا نماید و دولت باید در این زمینه سرمایه گذاری های لازم را انجام دهد. همچنین نظام مالیاتی کارآمد نیز مشوقی برای بهبود فضای کسب و کار است و بنابراین با معافیت های مناسب مالیاتی میتوان به این مهم دست یافت. در نهایت میتوان درخصوص تسهیل در امور مربوط به صادرات و واردات از طریق استفاده هرچه بیشتر از خدمات الکترونیکی از ابتدا تا انتهای پروسه صادرات یا واردات کالا یا خدمات فنی مهندسی اشاره نمود.

منابع

- ۱. ارشدی، علی (۱۳۸۵)، **آزادسازی حساب سرمایه و اثر آن بر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی.**
- تشکینی، احمد (۱۳۸۴)، **اقتصاد سنجی کاربردی به کمک مایکروفیت،** مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران، چاپ اول.
- حسین زاده بحرینی، محمدحسین وسعید ملک الساداتی (۱۳۸۹)، **"موانع نهادی سرمایه گذاری و کسب و کار در ایران"**، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۵.
- دوسوتو، هرماندو (۱۳۸۵)، **راز سرمایه،** ترجمه فریدون تفضلی.
- رهبر، فرهاد، مظفری خامنه، فرشید و شاپور محمدی (۱۳۸۶)، **"موانع سرمایه گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران"** مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۱.
- سالاری، ابوزر (۱۳۸۶) **"بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار"**، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰.
- شریف آزاده، محمدرضا و محمدحسین حسین زاده بحرینی (۱۳۸۲)، **"تأثیرپذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران از شاخص های امنیت اقتصادی"**، فصلنامه مفید، شماره ۳۸.
- عرب مازار، عباس و مریم احمدیان (۱۳۸۹)، **"شاخص فضای کسب و کار و تأثیر آن بر سرمایه گذاری خصوصی در ایران"**، فصلنامه اقتصاد
- متوسلی، محمود (۱۳۸۴)، **"توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهاد گرایی و روش شناسی"**، دانشگاه تهران.

- مهرآراه محسن، مجدزاده، مطهرهالسادات، و غضنفری، آرزو، (۱۳۹۴). "بررسی عوامل تعیین کننده سرمایه گذاری خصوصی در ایران مبتنی بر رویکرد میانگین گیری بیزینی، سیاستگذاری اقتصادی ۷(۱۴)، ۳۰.
- میدری، قودچانی (۱۳۸۷)، "سنجش و بهبود محیط کسب و کار"، انجمن مدیران صنایع.
- نصری، نیما، راهور، نی، و فروزنده، اکبر. (۱۳۹۸). "نقدی بر فضای کسب و کار بر سیاسی و چالش های پیش رو"، فصلنامه کارآفرینی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، شماره ۴۱، ۲۶-۴۵.
- Banerjee, A., Dolado, J.J, Galbraith, J.W. & D.F. Hendry (1993), "**Co-Integration, Error-Correction and the Econometric Analysis of Non-Stationary Data, Advanced Texts in Econometrics**", Oxford University Press.
- Banerjee, A., Dolado, J.J. & R. Mester (1992), "**On Some Simple Tests for Co-Integration: The Cost of Simplicity**", Bank of Spain Working Paper, No. 9302.
- Dardia, Michel & Sherman Luck (1999), "**Rethinking the California Business Climate**", Public Institute of California.
- Dickey, D.A. & W.A. Fuller (1979), "**Distribution of the Estimators for Autoregressive Time Series with a Unit root**", Journal of the American statistical Association, Vol. 74, PP. 427-31.
- Dickey, D.A. & W.A. Fuller (1981), "**Likelihood Ratio Statistics for Autoregressive Time Series with a Unit root**", Econometric, Vol. 49, PP. 1057-72.
- Dollar, David, Mary Hallward-Driemeier & Taye Manistee (2003), "**Investment Climate & Firm Performance in Developing Economies WorldBank**", Development Research Group.
- Fry, M.J. (1998), "**Saving, Investment, Growth and Financial Distortions in Pacific Asia and Other Developing Areas**", International Economic Journal, Vol. 12, No. 1, PP. 1-24.
- Hellinier, C.K. (1985), "**The Impact of the Exchange Rate System on the Developing Countries**", The International Monetary System and Its Reform (Part II), PP. 408-491.
- Jennifer & Susan Rose-Ackerman (2003), "**Foreign Direct Investment and the Business Environment in Developing Countries**": the Impact of Bilateral Investment Treaties, Department of Political Science.
- Knack, S. & P. Keefer (1995), "**Institution and Economic Performance, Cross Country Test Using Alternative Measures**", Economic and Politics, Vol. 7, Issue. 3.
- Larossi, Giuseppe (2009), "**the Investment Climate in 16 Indian States**", Policy Research Working Paper 4817, PP. 153-191.
- Owusu-Nantwi, V. (2019). "**Foreign direct investment and institutional quality**": empirical evidence from South America. Journal of Economic and Administrative Sciences, 35(2), 66-78.

- Peterson,s.Ploman.w. (2010)."**uncertain financial friction and Investment he asset pricing implications of goverment economic policy uncertainty Dynamics**",BOSTON University.
- Tobin,
- www.Cbi.ir.
- www.Wdi.com